# مهدویت و امام مهدی
## از نگاه شهید صدر



سید منذر حکیم

بسم الله الرحمن الرحیم

# مهدویت و امام مهدی از نگاه شهید صدر


نویسنده:

منذر حکیم



ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیهالسلام

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# مهدویت و امام مهدی از نگاه شهید صدر

## مشخصات کتاب

نویسنده : سید منذر حکیم

ناشر : بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

## نگاهی تاریخی به کتاب نفیس بحث حول المهدی

یکی از دست پروردگان استاد فرزانه آیه اللّه العظمی شهید سید محمد باقر صدر (قدس سره) جناب آیه اللّه سید محمد صدر می‌باشد، که پس از گذشت دو دهه از رحلت جانگداز و شهادت مظلومانه استاد عالی‌قدرش وی نیز به فیض شهادت نایل می‌گردد.ایشان سالیان درازی را در گردآوری یک مجموعه نفیس درباره امام زمان و حضرت مهدی (ع) سپری می کند و یک جلد را به تاریخ غیبت صغری و یک جلد را ویژه غیبت کبری و دو جلد را ویژه عصر ظهور و پس از ظهور قرار می‌دهد. وی برای این مجموعهِ نفیس که بسیار مفصّل و به گونه‌ای تحقیقی و تحلیلی است، مقدمه‌ای از استاد فرزانه آیت اللّه العظمی سید محمد باقر صدر درخواست می‌نماید.استاد نیز با مقدمه‌ای محققّانه و با نگاهی علمی فرامذهبی این (موسوعه) را زینت می‌بخشد.این مقّدمه با عنوان «بحث حول المهدی» به طور مستقل چاپ شد و با انتشار آن کتابی پر مایه و بسیار فشرده دربارهِ مهدویّت پا به عرصه وجود گذاشت. هم اکنون به بررسی این اثر نفیس پرداخته و امیدوارم که بتوانم قدمی - هر چند کوچک - در این وادی مقدس بردارم و یکی از وظایف خود را به ساحت مقدس حضرت بقیه اللّه الاعظم امام زمان (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و شاگرد بزرگوار مکتبش استاد عالیقدرم، شهید فرزانه آیت اللّه العظمی سید محمد باقر صدر (قدس سره) ادا نمایم.این نوشتار بسیار فشرده از شهید صدر، دارای نکاتی ابتکاری بوده و ویژگی‌هایی منحصر به فرد دارد که شایسته بررسی و طرح می‌باشد. امید است که بتوانم گوشه‌ای از این ویژگی‌ها و نکات مهم را روشن گردانم و سهمی در وادی تحقیق و تألیف و ژرفنگری استاد فرزانه‌ام داشته باشم تا چهرهِ درخشان یکی از فشرده‌ترین آثار علمی دربارهِ امام مهدی (ع) که مقدمه‌ای زیبا بر مفصّل‌ترین اثر علمی معاصر بوده در حدّ توان در برابر دید افکار عاشقان و دوستداران صلح جهانی و عدالت همگانی تقدیم نمایم.امید است خداوند منّان این کم‌ترین را از گروه عدالت‌خواهان و عدالت‌پروران قرار دهد و چشمان بی‌فروغش را به دیدار آفتاب پرفروغ و زیبای مهدی آل محمد (ع) نورانی گرداند.آمین یا رب العالمین. [۱] .

## نگاهی گذرا به محتوای اثر نفیس بحث حول المهدی

این اثر نفیس از یک مقدمه و هفت بحث و یک خاتمه تشکیل می گردد.ایشان در مقدّمه‌ای بسیار مهم، به ریشه‌دار بودن گرایش و اعتقاد به اندیشه مهدویت پرداخته و نقش دین را به طور عام و دین اسلام را به طور خاص در طرح و تبلیغ این اندیشه و برکات آن توضیح داده است، وی هم‌چنین ویژگی‌های منحصر به فرد اعتقاد شیعه دربارهِ امام مهدی (ع) را مورد بحث قرار داده است، سپس هفت سؤال اساسی درباره امام مهدی (ع) طرح کرده و انگیزه‌ها و علل طرح این پرسش‌ها را مورد اشاره و بحث قرار داده است.پرسش‌های هفتگانه که مهم‌ترین پرسش‌های زنده که نقشی کلیدی در فهم صحیح مهدویّت در اسلام را دارند، در چند محور خلاصه می‌شوند:محور اول: (امکان و دلیل و راز) طول عمر امام مهدی (ع)؛محور دوم: (دلیل و علّت) امامت زود رس آن بزرگوار؛محور سوم: دلایل تولّد و غیبت و فلسفهِ غیبت امام زمان (ع)؛محور چهارم: (امکان و شیوهِ) ایجاد تغییر جهان شمول در

روز موعود توسط یک فرد.در خاتمه: ویژگی‌های موسوعه تاریخی امام مهدی (ع) توسط آیه‌اللّه سید محمد صدر تدوین شده و اهمیت آن، مورد اشاره قرار گرفته است. [۲] هم‌چنین تاریخ دقیق شروع و ختم نوشتن این مقدمه گرانسنگ نیز ثبت شده است.این اثر نفیس به چندین زبان زنده دنیا ترجمه شده است، ولی تصور می‌شود که به دلیل فشردگی مطالب نیازمند شرح می‌باشد تا نکات ارزنده و نهفته آن آشکار گردد. [۳] .تلاش ما در این جزوه بر این است که پیش‌درآمدی بر این بحث از دیدگاه شهید سید محمد باقر صدر داشته باشیم.

## ویژگی‌های روش شهید صدر در بررسی مسأله مهدویت در کتاب بحث حول المهدی

۱. نگاه چند بُعدی به مسئله مهدویت‌مسئله مهدویّت یک مسئله اعتقادی، تاریخی، اجتماعی سیاسی، می‌باشد؛ به همین دلیل سؤالات مورد انتخاب شهید صدر (ره) و پاسخ‌های ایشان ناظر به هر سه بعد بوده و با یک زاویه دید به این مسئله نگاه نکرده است.۲. تشخیص دقیق مرکز بحث و اولویت دادن به بحث‌های کلیدی‌سؤالات و پرسش‌ها دربارهِ امام مهدی (ع) بسیار متنوّع و زیاد می‌باشند، امّا این هفت سؤال انتخابی جنبهِ کلیدی دارند. بنابراین، برای یک جزوهِ مختصر و فشرده که راه را برای محقّقان و آیندگان باز می‌کند، بسیار بجا است که به سؤالات کلیدی بپردازد.۳. شیوهِ بدیع درایجاد انگیزه برای خواننده و پژوهشگراستفاده از شیوه طرح سؤال و پاسخ دادن به سؤال، اضافه بر ایجاد انگیزه مضاعف برای خواننده و جذابیت بحث، موضوع بحث را به طور دقیق طرّاحی می‌کند، جواب را به تناسب سؤال عرضه می‌نماید، و از حاشیه رفتن پرهیز می‌کند.۴. نظم و دسته‌بندی مطالب در هر بحث‌آن‌چه در چینش سؤالات نمایان است، دسته‌بندی بحث و نظم دادن به آن می‌باشد. منطقی فکرکردن و منطقی جواب دادن و داشتن نظم در تفکر، در بررسی مسایل امری مهم می‌باشد که در مجموعه تألیفات آیه اللّه العظمی شهید سید محمد باقر صدر (قدس سره) به چشم می‌خورد. تلاش ایشان در عموم نوشته‌ها و تألیفات در بارآوردن انسان‌هایی اندیشمند – که به طور نظام‌مند فکر کنند و بیندیشند – بسیار چشم‌گیر و تحسین‌برانگیز است و این رویّه کم نظیر می‌باشد.۵. دقّت فوق‌العاده در طرح شبهه و در پاسخ شبهه‌شهید صدر شبهه را بسیار دقیق و عمیق مطرح می‌کند و چه بسا بهتر از طرّاح شبهه، شبهه را تقریر می‌نماید. این دقّت، انسان را به تعمّق در بررسی مسایل وادار می‌کند. ایشان قوی‌ترین و روشن‌ترین پاسخ را انتخاب و با بیانی شیوا مطلب خود را عرضه می‌کند. این‌گونه اِعمال دقت، مخاطب خود را فردی پویا و دقیق و همیشه یک قدم جلوتر از دیگران بارمی‌آورد.به همین دلیل مباحث کلامی شهید صدر در جرگه مباحث جدید کلامی و از نوع کلام جدید به شمار می‌رود. وی هم‌چنان که نگاه درون دینی خود را حفظ می‌نمود، همیشه نگاهی برون دینی نیز به مسایل داشت. و از این نظر پرورش یافتگان مکتب ایشان از لحاظ فکری و علمی بسیار قوی و توانمند می‌باشند. البته به شرط فهم و فراگیری دقیق آثار علمی شهید صدر و حرکت هم‌گام با افق‌های فکری او.۶. سهل ممتنع‌بحث‌های شهید صدر – عموماً– و در این جزوه به طور خاص از نوع سهل ممتنع می‌باشد. بسیار عمیق و منطقی بودن در عین ساده بودن و تناسب داشتن با سطح‌های علمی متفاوت همراه با سلاست بیان و رسا بودن تعبیر کم‌نظیر یا بی‌نظیر است.۷. توجه به مبانی مسلّم مکتب و حفظ اصالت و هویّت خود در برخورد با مسایل نو۸. توان‌بخشی برای پاسخ دادن به شبهات مطرح نشده‌این ویژگی یکی از ویژگیهای تألیفات و آثار علمی ایشان تقویت اندیشه شاگردان و پیروان برای پاسخ‌گویی به شبهات است که از تلاش جدّی در نظریه‌پردازی و تحلیل‌های عالمانه و موشکافی مطالب سرچشمه می‌گیرد.بنابراین، جامعیت و چند بعدی بودن، و انسجام در افکار و اندیشه‌های مطرح شده بسیار چشمگیر می‌باشد. هم چنین نگاه کلامی – فلسفی، علمی، تاریخی و جامعه‌شناسانه در این کتاب قابل ملاحظه می‌باشد.۹. تمثیل‌بهره‌برداری از مثال‌های قوی، ملموس و روشن برای تقریب مطالبِ معقول و ساده کردن مطالب عمیق قابل توجه می‌باشد.۱۰. پرهیز از تعصب‌منطقی بودن و جهان شمولی شهید صدر، از او انسانی غیر متعصّب در طرح مطالب اعتقادی ساخته است و باعث شده تا آثار علمی او همیشه زنده، غیربومی و فرامذهبی می‌باشد.آن‌چه اشاره

شـد، برخی از ویژگی‌های شـهید صدر در آثار علمی مکتوب و مطبوع او است که این ویژگی‌ها به طور بسـیار چشم‌گیری در بحث امام مهدی (ع) و مسئله مهدویت در کتاب «بحث حول المهدی» شهید صدر دیده می‌شود.

## مهمترین دیدگاه های شهید صدر درباره مهدویت و امام مهدی

### مهدویت و سنت‌های حاکم بر تاریخ

شهیـد صـدر مقـدمه بحث خود را با آیه پنجم سوره مبارکه قصـص آغاز کرده است و ریشه‌دار بودن اعتقاد به مهدویت را در دیگر ادیان و عصر پیش از اسلام - همان‌طور که در مقدمه آن‌را مورد بحث و بهره برداری قرار داده - نشان داده است او با آیه‌ای قرآنی نظریهِ خـود را مستند کرده و خاسـتگاه این عقیـده دینی را در متن آفرینش و ارادهِ الهی و به صـورتی قـانونی مـورد اشـاره و تـوجه گذاشـته است. ایشان معتقـد است نتایج و افق‌های دور این حرکت اصـلاحی جهانی - که بر دوش مستضـعفان جهان قرار داده شده است - با بیانی روشن و قرآنی مورد تذکر و تأمل قرار گرفته است.متن آیهِ شـریفه چنین است:(و نرید ان نمنّ علی الذین استَضـعِفوا فی الارض و نجعلَهم ائمه و نجعلَهم الوارثین.) [۴] .و ما می‌خواهیم بر کسانی‌که در زمین به استضعاف کشیده شده‌اند منّت بگذاریم و آنـان‌را امامـان و وارثـان (زمین) قرار دهیم.این خواسـته الهی که به صورت فعل مضارع اسـتمراری مطرح شـده است، نشانگر یک سنّت الهی و یـک قـانون فراگیر بوده و نتیجهِ آن به امـامت رسـیدن مستضـعفان، به ارث رسـیدن زمین به آن‌هـا است که حـاکمیت، لازمهِ امامت آنان است که با توجه به وراثت زمین تمام جهان تحت حاکمیت آنان درخواهد آمد.

### مهدویت عقیده‌ای فرادینی

الف امـام مهـدی (ع) تجسّم و مصـداق یـک عقیـده اسـلامی است.ب این عقیـده یک عقیـده دینی فراتر از اسـلام بوده.پ بلکه این عقیـده ریشه‌ای فراتر از ادیـان الهی داشـته و دارد؛ زیرا که انسان گرایشـی فطری و روشن به سوی روز موعود دارد. یعنی جهانیان با تمام ادیان و مـذاهب انتخابی خود، حتی کسانی‌که با دین بیگانه‌اند و خود را بیگانه مطرح می‌کنند در انتظار عدالتی جهانی هسـتند. این عـدالت جهانی - از دیـدگاه اسـلام - به دست مهـدی آل محمد (ع) تحقق می‌یابد.ماتریالیسم دیالکتیک که تجسّم افراطی‌ترین گرایش‌های انکارکننده عالم غیب است، در متن عقیده خود - که تاریخ را بر اساس تناقضات درونی تفسیر می‌نماید - ایمان به روز موعودی که تمام تضادهای درونی در آن روز موعود خاتمه می‌یابد، مطرح می‌کند و بشریّت را - که آرزوی چنین مصلحی جهانی داشـته - به سوی خود می‌کشانـد. بنـابراین، یـک ریشهِ فرادینی و فرامکتبی از اعتقاد به مهـدویت پشتیبانی می‌کنـد و ایمان به تحقق عدالت در سر تا سر جهان، ایمانی فراگیر و گسترده و در عین حال عمیق و ریشه‌دار است.و اینک ترجمه متن شـهید صدر را با هم مرور می‌کنیم:«اعتقـاد به مهـدی» نشـانگر و تجسّم یـک بـاور و اعتقـاد فقط اسـلامی نبوده، بلکه افزون بر آن، آینه‌ای است که نشان دهندهِ یک خواستهِ دیرینهِ انسانی است؛ به گونه‌ای که بشریت با تمام گرایش‌های دینی‌اش به آن توجه داشته و یک نمودی از الهام فطری ریشه‌داری است که مردم - بـا تمـام اختلافـات مـذهبی و اعتقـادی میـان آنـان - همگی به یک روز موعودی در زمین معتقد شـده، که در آن روز هـدف نهایی ادیان و رسالت‌های الهی تحقق یافته، و زندگی طولانی و پررنج انسان در تمام دوران‌های تاریخ به آرامش و استقرار می‌رسد. [۵] .

### مهدویت در گستره تاریخ بشری

گرایش فطری و درونی نسبت به ضرورت تحقق روز موعود گسترده‌ترین گرایش به شـمار می‌رود؛[و بدین‌سان تجربهِ این احساس

درونی نسبت به ضرورت تحقق عدالت در جهان، گسترده‌ترین تجربه شعوری و روانی در میان تک تک انسان‌ها در طول تاریخ می‌باشد.] [۶] .

## مهدویت در نگاه دین

شهید صدر به بیان نقش بسیار مهمّ دین در ایجاد تحوّل نسبت به این احساس درونی، و تفسیر و روشن‌نمودن آن می‌پردازد. در این جا سه نکته را مطرح می‌نماید:الف) کم‌ترین نقشی که دین ایفا می‌کند، این است که دین این احساس فطری و درونی را مورد تأکید قرار می‌دهد و در حقیقت یک عنصر غیبی مهم را پشتوانه این احساس فطری قرار می‌دهد.ب) در نتیجه – با وجود نقش مهم دین در زایش ایمان – این احساس فطری از یک احساس محض بیرون آمده و به یک ایمان قوی نسبت به آینده‌ای روشن برای بشریت تبدیل می گردد.پ) این ایمان نیز نقشی جدید در زندگی انسان ایفا می‌نماید، این نقش در دو بعد تجلی می‌یابد و هم‌زمان دو فایدهِ مهم را تحقق می‌بخشد:نخستین‌فایدهِ این ایمان عبارت است از مقاومت پیوسته و درونی انسان در برابر ستم و ستمگران، در زمانی‌که زمین از ستم پر شده باشد، این انسان باایمان به قیام امام مهدی (ع) در برابر ستم گسترده جهان‌شمول، ایمان دارد که ستم باید ریشه‌کن شود و در نتیجه در برابر ستم و ستمگران ایستادگی و مقاومت می‌نماید، حداقل این ایمان او را در برابر ستم توانمند و مقتدر قرار می‌دهد و او را از این نظر بیمه می کند. و از انفعال و تسلیم شدن در برابر ستم‌گران باز می‌دارد.پس، این ایمان به قیام امام مهدی (ع) در حقیقت منبعی سرشار برای مبارزه درونی و برونی باظلم و ستم خواهد بود.دومین فایدهِ این ایمان عبارت است از زایندگی یک نیروی مستمر و نامتناهی پدید میآید؛ یأس و ناامیدی را در درون انسان می‌زداید و امیدواری به پیروزی حق بر باطل، و عدالت بر ستم را در درون او روشن نگه‌می‌دارد. ایمان به روز موعود، ایمان به گسترش عدل و داد و پیروزی آن بر ستم – در گسترهِ جهان – می‌باشد؛ زیرا که ستم یک واقعیت باطل و یک انحراف است و عدالت یک اصل طبیعی و یک حقیقت مطلوب است و باطل همیشه در برابر حقیقت گریزان و فراری است. باطل هر قدر که بزرگ جلوه‌گر شود و بر مقدّرات جهان و جهانیان چیره شده باشد، رفتنی خواهد بود.بنابراین، هر انسان مظلوم و هر امّت مظلوم – چنان‌چه به قیام موعود جهانی ایمان داشته باشد – امیدوار است که ستم رخت بربندد و جهان بر اساس عدالت به حیات خود ادامه دهد.و اینک به ترجمه سخن شهید صدر توجه می‌نماییم:دین در حالی‌که به این احساس درونی همگانی استواری و قوّت می‌بخشد، با تأکید بر این عقیده که زمین، همان‌گونه که از ظلم و ستم پر شود، از عدالت و دادگری آکنده خواهد شد. به این احساس ارزشی عینی بخشیده و آن‌را به باوری قاطع نسبت به آیندهِ روشن بشریت دگرگون می‌سازد.چنین ایمانی، تنها مایهِ دلداری و شکیبایی نبوده، بلکه منبعی سرشار از الهام بخشی و توانمندی خواهد بود.الهام بخشی آن این‌گونه است که ایمان به مهدی (موعود) ایمان به ستم ستیزی است، حتی آن‌جا که تمام دنیا را ستم فرا گرفته باشد، مهدی موعود زیر بار این ستم نمی‌رود. منبع توان‌بخشی و نیروسازی و پویایی است؛ چرا که چراغی است در برابر تاریکی‌های ناامیدی و شعله‌ای است که امید را در دل انسان روشن نگه می‌دارد، هر چند که ستمکاران، جهان را پر از ظلم و ستم کرده باشند؛ زیرا که روز موعود ثابت می‌کند که عدالت می‌تواند جهان پر از ستم را زیر و رو کند و آن‌را از نو بسازد کوهسارهای انباشته از ستم هر قدر که بزرگ‌تر شوند یک حالت استثنایی و غیر طبیعی هستند که باید نابود گردند.و نابودیِ ستم – در حالی‌که در اوج خود باشد – امری حتمی است، و این حقیقت و این بینش امید بزرگی فراروی ستمدیده‌ای قرار می‌دهد خود را در ایجاد یک دگرگونی ریشه‌ای، و در بازسازی مجدّد جهان بر اساس عدالت، توانمند و مقتدر می‌بیند. [۷] .

## مهدویت در نگاه اسلام

پس از روشن شدن نقش مثبت دین در بالابردن درجه احساس به اهمیت گسترش عدالت در جهان و تبدیل این احساس درونی به

یک ایمان قوی و زاینده و مثبت، باید نقش اسلام را در پشتیبانی این احساس و این ایمان، مورد توجه قرار دهیم.۱. با توجه به روشن گری‌های اسلام نسبت به عقیده موعود جهانی و نکات روشن‌تری که از روز موعود به ارمغان آورده است، این عقیدهِ ریشه‌دار و گسترده و جهان شمول را عقیده‌ای پرمحتوا و غنی‌تر عرضه داشته و احساسات ستمدیدگان را به‌گونه‌ای پرشورتر برانگیخته است؛ زیرا این عقیده را از یک اعتقاد به ماورای حس به سوی اعتقاد به امری ملموس کشانده و آن را به زندگی روزمره ما انسان‌ها مرتبط قرار داده و آرزوی بسیار دور انسان‌ها به یک امیدی قوی و فعّال و زنده دگرگون می‌شود.مهدی موعود در اسلام و در اعتقاد شیعه فردی است که در حال حاضر وجود دارد، زنده و فعال است و به وظایف امامت و رهبری خود در حد توان عمل می‌کند. او نیز مانند دیگر ستمدیدگان در انتظار فراهم آمدن شرایط لازم برای انقلاب خود و ظهور عدالت جهانی به سرمی‌برد و در کنار آنان زندگی می‌کند و دردها و خوشی‌های آنان را احساس می‌کند. رهبری که در کنار دوستداران و منتظران خود می‌باشد، تمام جریانات فکری و سیاسی و اجتماعی را از نزدیک می‌بیند و بر تمام تحوّلات جهان به طور دقیق احاطه دارد و در انتظار فرا رسیدن لحظه ظهور، خود بیش از دیگران منتظر می‌باشد.بنابراین، ایدهِ مهدی موعود ایده‌ای نیست که در آینده به فعلیت برسد و متولد گردد، بلکه واقعیتی است که با آن زندگی می‌کنیم و در یک فرد مشخص که در کنار ما زندگی می‌کند، تبلور یافته است. فردی که ما را به تمام معنا درک می‌کند و آن‌چه را می‌بینیم و احساس می‌کنیم، هر رنجی را که می‌بریم، او نیز به همین نسبت، بلکه بیشتر از ما احساس‌می‌کند؛ هر چند که شخص او برای ما آشکار نبوده و خودش را برای ما معرّفی نمی‌کند.۲. بارِ مثبت این اعتقاد روشن به تولد و غیبت و زندگی طولانی مهدی موعود (عج) در حال حاضر در حدّی است که رابطهِ ستمدیدگان را با رهبر ستم‌دیدهِ خود مستحکم‌تر می‌کند. هر قدر که روزهای انتظار طولانی شود، احساس یأس و ناامیدی به آنان دست نمی‌دهد؛ زیرا که رهبر فرزانهِ خود را در کنار خود در حال انتظار می‌دانند و با یاد و نام او زندگی می‌کنند.۳. اعتقاد به امام مهدی – که منتظِر قیام خود بوده و بیعتی با هیچ ستمگری را بر گردن نگرفته – نشانگر اعتقاد به وجود یک مقاومت حقیقی در برابر ستم و ستمگران می‌باشد که این مقاومت واقعی در شخص مهدی آل محمد (عج) تجسّم یافته است.و اینک به فرازهایی از ترجمه متن شهید صدر توجه می‌کنیم:هر چند که ایدهِ مهدویت پیشینه‌ای دورتر و فراتر از اسلام داشته، امّا در اسلام شفاف‌تر و روشن‌تر مطرح شد است و انتظارات انسان‌ها با طرح تفصیلی اسلام از مهدویت به گونه‌ای بهتر اشباع می‌گردد و برای ستمدیدگان پربار بوده و احساسات آنان را برافروخته‌تر نگه می‌دارد.زیرا اسلام این ایده را واقعیت بخشیده و آینده دور را به زمان حال درآورده و انتظار آمدن یک فرد رهایی‌بخش در آینده بسیار دور را که ناشناخته و مجهول می‌باشد به یک ایمان، آن‌هم ایمان به وجود یک فرد رهایی‌بخش، آن‌هم در حال حاضر، فردی که همراه با دیگر منتظران در انتظار روز موعود خود به سرمی‌برد تا تمام شرایط لازم در انجام آن وظیفه بزرگ و نقش مهم و مورد نظر فراهم آید.بنابراین، حضرت مهدی (ع) ایده‌ای نیست که در انتظار تولّد آن ایده بنشینیم و در حدّ یک پیشگویی که در انتظار تحقق یک مصداق واقعی برای آن باشیم نبوده، بلکه یک واقعیتی است زنده و حاضر و قائم به شخص، که همیشه منتظرانِ او و منتظِر صدور فرمان از سوی او هستند و در حقیقت در یک آماده باش کامل به سر می‌برند.مهدی انسانی است معیّن که در میان ما – با یک وجود حقیقی – زندگی می‌کند. او را می‌بینیم و او ما را می‌بیند و با آرزوها و دردهای ما زندگی می‌کند. شریک سوگ‌ها و شادی‌های ما است و آن‌چه در را عصر ما، می‌گذرد – از شکنجهِ شکنجه‌شدگان و تیره‌روزی ناکامان و تیره‌روزان و ستم ستمگران لمس می‌کند و با آتش آن می‌سوزد و با شوقی فراوان منتظر آن لحظه‌ای است که بتواند دست یاری‌اش را به سوی تمام ستمکشان و محرومان و درماندگان دراز نماید و ریشهِ ستمگران را از بیخ و بن برکند؛ در حالی‌که برای این فرماندهِ منتظِر و در حال آماده‌باش کامل چنین تقدیر شده است که خود را برای مردم آشکار نسازد و پرده را از رُخ زیبایش کنار نزند هر چند که با آنان و در کنار آنان در انتظار لحظهِ موعود به سر می‌برد.روشن است که ویژگی‌های اسلامی این ایده فاصله‌های بسیار زیاد و نامحسوس میان ستمکشان و فرماندهِ رهایی بخششان را کوتاه می‌کند و پل ارتباطی آنان را با همدیگر نزدیک

می‌نماید؛ هر چند که انتظار طولانی باشد و ادامه یابد. [۸] .

## مهدویت و رهبری مبارزه با ستم

آن‌چه در روایات اسلامی درباره اهمیت انتظار فرج امام مهدی (ع) آمده است و به تمام مسلمانان دستور انتظار فرج را داده است، یک ارتباط درونی و گسترده را طراحی کرده و تمامی ارزش‌های الهی را که در امام مهدی (ع) و در قیام او تجسم نموده، مورد توجه قرار می‌دهد. چنان‌چه به وجود و غیبت این امام معتقد نباشیم این رابطه عمیق را با او نمی‌توانیم داشته باشیم.بدین ترتیب، اعتقاد به مهدویت - که شیعه پرچم‌دار آن می‌باشد - اعتقادی زنده‌تر، پویاتر، عمیق‌تر و توانمندتر از تمام ایده‌هایی است که در مذاهب و ادیان دیگر و مکاتب بشری مطرح بوده و افرادی زنده دل و پرخروش می‌آفریند و آنان‌را در طول تاریخ پرچم‌دار مبارزه با ظلم و ستم قرار می‌دهد. [۹] .

## پرسش‌های کلیدی

همان‌گونه که این اعتقاد به مهدی موعود (ع) آثاری مثبت داشته و دارد، عکس‌العمل‌های منفی و موضعگیری‌های نادرستی به همراه داشته است؛ زیرا برخی از مردم نتوانستند همه نکات دقیق این اعتقاد را دریابند و به حکم ظاهربینی و ساده‌اندیشی خود شبهه‌ها و سؤال‌هایی را مطرح نموده‌اند، که در ذیل به برخی از این پرسش‌ها می‌پردازیم:۱. مهدی موعود اگر زنده باشد و با نسل‌های زیادی زندگی کرده باشد و با نسل‌های زیادی پس از این نیز زندگی خواهد کرد، معنایش این است که او از عمری طولانی برخوردار می‌باشد؛ چگونه بر خلاف مسیر قوانین عالم طبیعت این زندگی طولانی را داشته و خواهد داشت؟۲. چرا باید خداوند به خاطر چنین فردی تمام قوانین عالم طبیعت را تعطیل کند تا او را از گزند حوادث مرگ‌بار و نابودکننده نجات بخشد؟ مگر بشریّت از به وجود آوردن رهبری شایسته در آینده عاجز است؟ چرا باید عمر یک فرد این قدر طولانی شود و آن هم در پشت پردهِ غیبت به سر ببرد؟۳. چگونه حضرت مهدی (ع) در سن پنج سالگی به امامت رسید و آمادگی لازم را برای امامت مسلمانان از لحاظ فکری و علمی و روحی و دینی به دست آورد و با چه وسیله‌ای این آمادگی بزرگ برای رهبری بزرگ را کسب نمود؟۴. اگر رهبر نهضت و اصلاح جهانی از آمادگی کافی برخوردار باشد، پس چرا باید صدها سال انتظار بکشد؟ آیا این همه ستم و بی‌عدالتی برای قیام او و ظهور او کافی نیست؟ بالاخره چرا باید رهبر آماده در پَسِ پردهِ طولانی غیبت به سر برد؟ فلسفه این غیبت طولانی و ممتد چه می‌تواند باشد؟۵. آیا به چند روایت می‌توانیم اکتفا کنیم و به وجود چنین انسانی با چنین ویژگی‌هایی - غیر طبیعی و غیر معمول - در حال حاضر ایمان داشته باشیم؟ چه دلیلی داریم که ما را به وجود فعلی او معتقِد سازد؟۶. آیا برای یک فرد و یک انسان چنین نقش بزرگی را می‌توانیم باور کنیم؟ آیا یک فرد - هر قدر که بزرگ هم باشد - می‌تواند یک جهان را دگرگون کند و مقطعی جدید از تاریخ را به وجود بیاورد؟ در حالی‌که تاریخ، فرد را می‌سازد و او را به صورت یک قهرمان درمی‌آورد و حداکثر یک فرد خود تجلی یک مرحله از تاریخ بشریت و یک مقطع از مقاطع تکاملی بشریت می‌باشد. در حالی‌که عکس این باور در مورد حضرت مهدی (ع) مطرح می‌گردد!۷. آخرین سؤال اساسی در زمینه اصلاح جهانی این است که با چه شیوه‌ای این اصلاح و دگرگونی جهانی و فراگیر انجام خواهد گرفت؟ چگونه دنیای سراسر ستم به دنیایی سراسر عدل و داد تغییر خواهد یافت؟چگونه ابرقدرت‌هایی که از همه گونه امکانات علمی و سیاسی و نظامی برای ایجاد هرگونه فساد و تخریبِ خانمان‌سوز و بنیان کن برخوردارند، توسط یک فرد بی‌سلاح ریشه‌کن می‌شوند؟چرا مردم می‌پرسند؟شهید صدر نخست به انگیزه‌های طرح این پرسش‌ها و شبهات می‌پردازد و دو گونه علت برای آن ذکر می‌کند:علت نخست: مشکلات فکری و ناتوانی در درک برخی مطالب دربارهِ موعود ادیان، شرایط و چگونگی تغییر و دگرگونی گسترده توسط مصلح منتظر، می‌تواند منشأ برخی از

این پرسش‌ها و شبهات باشد.علت دوم: ترس این انسان‌ها از قدرت فزاینده‌ِ ستمکاران و احساس عجز و ضعف در برابر ابرقدرت‌هایِ حاکم بر جهان بشریّت، احتمال هرگونه تغییر و اصلاح و امکان تحقق یک اصلاح اصولی و فراگیر جهانی را مورد تردید قرار می‌دهد.شهید صدر با استفاده از شیوهِ طرح پرسش‌های مشخص و دقیق، انگیزه‌ای قوی برای فهم بهتر و درک عمیق‌تر مطالب مربوط به مهدویت و مهدی آل محمد (ص) ایجاد می‌کند و با پاسخ پرسش‌های فوق، توجه خواننده به این مبحث جلب می‌گردد و بحث‌های اساسی مهدویت در هفت مسئله به انجام می‌رسد.روش پاسخ به نخستین پرسش‌نخستین پرسش این است که آیا امکان دارد یک انسان قرن‌های بسیار زندگی کند، تا رهبر موعود مصداق چنین عمری باشد؟او اکنون بیش ۱۱۴۰ سال را سپری کرده و حدود چهارده برابر یک انسان معمولی که مراحل زندگی را از کودکی تا پیری دیده، عمر کرده است.پاسخ شهید صدر به این پرسش طی چند مرحله انجام گرفته است.مرحله اول: با توجه به این‌که ما سه نوع «امکان» داریم، امکان مورد نظر کدام است؛ امکان عملی؛ امکان علمی؛ امکان منطقی یا فلسفی؟با توضیح این نکته که طولانی شدن عمر یک انسان اگر چه امکان عملی بالفعل ندارد، اما امکان علمی و منطقی دارد و ما نمی‌توانیم آن را محال و ناممکن بدانیم. چنان‌چه دانش امروز بشر به کشف این راز موفق نشده باشد، دلیلی برای انکار آن نخواهیم داشت؛ زیرا امکان علمی و امکان منطقی برای یک عمر طولانی مطرح می‌باشد.مرحله دوم: با توجه به این که اسلام در موارد زیادی بر دانش امروز پیشی داشته، بهتر می‌توانیم به راز یک عمر طولانی برای فردی که اسلام به وجود او نیاز اساسی دارد ایمان داشته باشیم.مرحله سوم: کدام شگفت‌آورتر است؛ این عمر طولانی یا نقشی که برای این رهبر غایب در بازسازی تمدن کنونی جهان ترسیم شده است؟در حالی‌که برای هیچ فردی در جهان، نه در گذشته و نه در آینده چنین نقشی مطرح نشده است، چرا باید مقدمات یک تحوّل بزرگ، شگفت‌آور نباشد؟مرحله چهارم: با توجه به ارتباط این عمر طولانی با بحث اعجاز و امکان تحقق معجزه البته در صورتی‌که لازم باشد، به حل مشکل طول عمر می‌پردازد، نمونه‌هایی از معجزات ثبت شده را برای روشن شدن راز طول عمر به کار می‌گیرد.پاسخ شهید صدر در این‌جا کاملاً ـ ابتکاری است و از امتیازات ذیل برخوردار است:۱. طرح تمام احتمالات وارده در پرسش؛۲. توجه به واقعیت‌های علمی و قواعد فلسفی؛۳. بهره‌برداری از مثال‌های حسی تجربی و قابل فهم؛۴. بهره‌برداری از اصول علمی شناخته شده؛۵. بهره‌برداری از حقایق تاریخی روشن و قابل قبول برای اثبات نظریه مورد بحث؛۶. با وجود تلاش برای توجیه علمی – متناسب با فهم مخاطبان – و بهره‌برداری از علوم بشری متعارف در حال حاضر، بحث معجزه که یک بحث کلامی و عقلی است فراموش نمی‌شود و حرف آخر را در این مرحله معجزه می‌زند. او با استفاده از معجزات مشابه در طول تاریخ این معجزه را به طور محسوس به ذهن مخاطب نزدیک می‌کند. معجزهِ طول عمر امام مهدی (ع) فراتر از معجزات حاصل برای انبیای بزرگ الهی؛ چون حضرات نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و پیامبر خاتم (ع) نبوده و نخواهد بود.۷. نکتهِ مشترک همهِ این معجزات الهی این است که هرگاه حفظ جان یک حجت الهی بر تعطیل شدن یک قانون طبیعی توقف نماید و استمرار حیات آن حجت معصوم و رهبر آسمانی برای تحقق اهداف و آرمان‌های الهی لازم باشد، عنایت خدا وارد عمل می‌شود و به طور معجزه‌آسا جان آن حجت الهی را از گزند قانون طبیعی حفظ می‌کند تا بتواند اهداف و وظایف مورد نظر را تحقق بخشد.۸. تکرار این معجزات، خود دلیلی علمی بر وجود یک قانون علمی برتر از قوانین طبیعی عادی است که در صورت لزوم، قوانین عادی را تعطیل نموده و قانون برتر وارد میدان عمل می‌شود.

## راز طول عمر و فلسفه غیبت کبری

۱. دومین پرسش دربارهِ عمر طولانی و غیبت طولانی امام مهدی است. هر چند که در این جا دو پرسش با هم جمع شده، اما یک جواب قانع کننده برای هر دو پرسش که در واقع یک واقعیت و یک پدیدهِ سؤال‌برانگیزند، کافی است.عمر طولانی امام مهدی (ع) با یک غیبت طولانی همراه بود و تلاش برای اثبات یک عمر طولانی برای امام مهدی (عج) گویای اصرار بر تعطیل قوانین عادی

است؛ در حالی‌که می‌توانیم تصور کنیم که خدای جهان برای تحقق اهداف بزرگ خود، در آینده مناسب یک فرمانده و رهبر مناسبی را به وجود بیاورد تا نقش بزرگ خود را ایفا نماید.بنابراین، طولانی کردن عمر یک انسان و نگه داشتن او در پشت پردهِ غیبت تا روز موعود، چه حکمتی و چه دلیل قانع کننده‌ای می‌تواند داشته باشد؟۲. شهید صدر در پاسخ به این پرسش که پس از فرض روشن شدن امکان وجود یک عمر طولانی مطرح می‌شود و بر ضرورت تعطیل قوانین طبیعی در حق امام مهدی (ع) تأکید می‌ورزد، دو نوع پاسخ مطرح می‌کند.الف) پاسخ متعارف که یک دلیل کلامی است و بر پیش‌فرض‌های اعتقادی ثابت شده استوار است.ب) پاسخ نامتعارف که بر یک تفسیر و تحلیل روان‌شناختی و جامعه شناختی استوار است.این تفسیر تحلیلی ابتکاری از شهید صدر می‌باشد. در این پاسخ، نقش طول عمر در آماده‌سازی آن فرمانده الهیِ عدالت گستر برای تحقّق آن آرمان بزرگ تبیین می‌گردد.در این‌جا مناسب است به خلاصهِ این پاسخ ابتکاری شهید صدر توجه کنیم:تحولِ بسیار بزرگ نیازمند روحیه‌ای بس بزرگ، همّتی بسیار بلند و احساسی عمیق به برتری خود و پوچی تمدنِ فریبنده و کوچک بودن ابرقدرت‌های ستمگر و استمارگر است، که این فرمانده برای نابودی این تمدّن ذخیره شده است تا بتواند تمدن کنونی را به یک دنیای کاملاً جدید دگرگون سازد. این فرماندهِ انقلابی هر اندازه که به پوچی این تمدن بزرگ ایمان داشته باشد و آن را فقط نقطه‌ای در مسیر طولانی و تکاملی تمدن انسانی ببیند، در براندازی این تمدن عظیم تواناتر خواهد بود. درجهِ احساس او به پوچی این هیولای بزرگ، باید با عظمت تحوّل مورد نظر متناسب باشد.رسالت روز موعود، ایجاد یک تحول چشمگیر و همه جانبه، در جهانی که از ستم پر شده است، می‌باشد و کسی در انجام این تحوّل، توانا خواهد بود که خود را بزرگ‌تر از این تمدن عظیم بداند و ببیند. کسی که مرعوب هیبت این تمدن باشد – به خاطر این که در دامن این تمدّن بزرگ شده است – نمی‌تواند فرماندهی این تحوّل عظیم و چشم‌گیر را بر عهده بگیرد؛ در حالی‌که انسان دیگری که پیش از این تمدن بوده، تمدن‌های گوناگونی را همراهی کرده، شاهد تولد و سقوط چند تمدن بوده و نقاط ضعف و قوّت هر یک را به خوبی می‌داند، به خوبی آگاه است که نقطهِ ضعف این تمدن کجا است و از چه نقطه‌ای باید ضربه را بر پیکر آن وارد سازد. هیچ کتاب تاریخی نمی‌تواند جای‌گزین این دانش کاملاً محسوس برای این فرد باشد.شهید صدر در این‌جا به دو نمونه از انسان‌های اصلاحگر، ولی مرعوب تمدن‌های عصر خود، اشاره و بیان می‌کند که چرا چنین افرادی نمی‌توانند یک اصلاح و تحوّل چشم‌گیری را عهده‌دار شوند. [۱۰] .در فرازی دیگر، ایشان به نقش تجربه اندوزی‌های انسان در ایجاد توان تشخیص دقیق نقاط ضعف و نقاط قوّت دیگران و تشخیص دقیق نقاط ضعف و قوّت پدیده‌های اجتماعی اشاره می‌نماید. در نتیجه: نقش تجربیات ممتد یک انسان در ایجاد توان مطلوب، آن هم در سطح فرماندهی مورد نظر روشن می‌شود و طولانی شدن عمر یک انسان در این زمینه نقش مهمی را ایفا خواهد نمود.سومین نکته‌ای که نیاز به یک رهبری برخاسته از عصر صدر اسلام را روشن می‌کند، این است که این تحوّل اسلامی اصیل، به رهبری نیاز دارد که نزدیک‌ترین فرد به منابع اصیل اسلام و در عین حال فردی نفوذناپذیر در برابر همهِ عوامل انحطاط و انحراف فرهنگی باشد تا بتواند اسلام را آن طور که هست به اجرا درآورد و تحوّلی فراگیر و چشم‌گیر بر اساس اسلام ناب پایه‌ریزی کند، امّا شخصی که امروز متولّد می‌شود و در فضای این تمدن کنونی آکنده به انحراف، نفس می‌کشد و چشمش را بر تحوّلات و انحرافات موجود باز کند، به هیچ وجه نمی‌تواند آن اسلام ناب را آن طور که هست درک کند. او نمی‌تواند از رسوبات و خواستگاه‌های این تمدن رهایی یابد، حتی اگر قصد یک اصلاح انقلابی داشته باشد. بالاخره نمی‌توانیم رهایی او را از پیرایه‌ها و بدعت‌های موجود تضمین نماییم و حتماً باید در مرحله‌ای قبل از تولد تمدن کنونی متولد شده باشد و بُنیهِ فرهنگی و اسلامی او از زمان صدر اسلام باید استحکام یافته باشد تا بتواند طلایه‌دار تحوّل ناب و اصیل اسلامی باشد. [۱۱] .

## کودکی و امامت

پرسش سوم: در حالی که امام مهدی (ع) با پدر بزرگوارش امام حسن عسکری (ع) بیش از پنج سال زندگی نکرده و در سنّ کودکی از پدر محروم شده، چگونه در این دوران بسیار کوتاه کودکی، برای امامت و رهبری آماده شده و شخصیت او پختگی رسیده است؟پاسخ جالب شهید صدر در این زمینه نیز یک پاسخ کاملاً ابتکاری است. او «پدیدهِ امامت زود هنگام» - که در سه امام مصداق پیدا نمود - [۱۲] توجه کرده و آن را مورد مطالعه قرار می‌دهد و بدون اتکا به بحث‌های کلامی متعارف در اثبات امامت و با چشم‌پوشی از قاعدهِ لطف، بحث را از لحاظ تاریخی و اجتماعی در جامعه مسلمانان دنبال می‌کند.شش نکتهِ تاریخی دربارهِ اهل بیت و پیروان و رفتار خلفای معاصر با آنان، حقیقتی انکارناپذیر را به ما می‌فهماند: امامتِ زود هنگام در میان اهل بیت عصمت یک واقعیت بوده و به هیچ وجه وهم و خیال نبوده؛ چنان که مشابه آن میان انبیای الهی نیز وجود داشته است. بنابراین، با استناد به نمونه‌های حسی - تجربی، امکان امامت راستین و همه جانبه برای کودکی پنج‌ساله روشن می‌گردد؛ زیرا وقوع یک شیء، بزرگ‌ترین دلیل بر امکان آن می‌باشد.این پدیده که در میان امامان اهل بیت پیش از امام مهدی (ع) دو مصداق داشته و دربارهِ یحیای پیامبر و عیسی - سلام خدا بر آنان باد - قبل از دوران امامت اهل بیت (ع) در متن قرآن از آن یاد شده است، بهترین پاسخ عینی عملی و دندان شکن را تقدیم نموده و تمام پرسش‌های مطرح شده دربارهِ امام مهدی (ع) را از این نظر پاسخ میدهد. در صورت لزوم باید به بحث شهید صدر دربارهِ تجربهِ حسی اجتماعی غیبت صغری که حدوداً هفتاد سال حدوداً بوده و دلالت‌های قاطعانهِ آن بر لیاقت‌ها و شایستگی‌های امام مهدی (ع) توجه گردد.اینک به فرازی از پاسخ‌نامهِ ابتکاری شهید صدر در این زمینه می‌پردازیم و به شش نکته مهم از ایشان توجه نموده، تا مورد بررسی قرار گیرد:الف) پیشوایی امامان اهل بیت، مانند پیشوایی خلفای عباسی و فاطمی و... نبود که یک پایگاه سلطنتی باشد و از پدر به پسر به ارث برسد و دستگاه فرمانروا، از آن پشتیبانی کند، بلکه پذیرش بنیادهای گستردهِ امامت، تنها در صفحه‌های دل مردم از راه نفوذ روحی بود. همراه با اثبات این نکته که تنها امامان اهل بیت، شایستگی امامت دارند.ب) این بنیادهای مردمی، از همان آغاز اسلام در دل توده ریشه‌کرده و به روزگار امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) به مرحلهِ شکوفایی و گستردگی خود رسیده و آموزشگاهی که این دو امام تشکیل داده و سرپرستی کردند، موج فکری پردامنه‌ای، در جهان اسلام گسترد. موجی که مایهِ پیوست صدها فقیه و متفکر و مفسر، همچنین دانشمندان بسیاری در زمینه‌های مختلف علوم انسانی و اسلامی به آن شد. تا آن‌جا که حسن به علی وشّا می‌گوید: «به مسجد کوفه درآمدم و در آن‌جا نهصد استاد دیدم که از جعفر بن محمد حدیث نقل می‌کردند».پ) شرایطی که در این آموزشگاه و بنیادهای مردمی نمایندهِ آن، در جامعهِ اسلامی برای برگزیدن امام، و شناخت لیاقت او را برای پیشوایی لازم می‌شمردند، شرایطی دشوار بود؛ زیرا امام، پیشوا و مقتدا نخواهد بود. مگر آن‌که از همهِ اهل روزگارش، دانشمندتر و داناتر باشد.ت) در راه این آموزشگاه و بنیادهایش، مردمان زیادی جان خویش را به خاطر عقیده به امامت از دست دادند؛ زیرا دستگاه خلافت هم‌عصرش، به آن با دید یک مکتب مخالف خود - دست کم از جنبهِ نظری - می‌نگریستند و سرانجام این امر، تاخت و تازها و شکنجه‌هایی بود که فرمانروایان آن روزگار، پیوسته آن‌را، به کار می‌بردند تا راه سلطنت و حاکمیّت خود را هموار کنند.چه بسیار کسانی که به دست دستگاه خلافت کشته شدند یا در سیاه چال‌ها جان سپردند. اعتقاد به پیشوایی امامان اهل بیت، برای مردم بسیار گران تمام می‌شد و فایده‌ای دنیایی هم نداشت، جز همان احساس آرامش ناشی از کشف حقیقت و اعتقاد به آن و نزدیک شده به خدا.ث) امامان، که پیشوایی‌شان بر بنیادهایی این چنین استوار می‌شد، نه جدا از جامعه بودند و نه مانند حاکمان در قصرهای سر به فلک کشیده، بلکه خود را از چشم مردم دور نمی‌داشتند. میان آن‌ها و مردم، هیچ حاجبی نبود، مگر در زمان‌هایی که نیروهای حاکم - با غُل و زنجیر و تبعید و آوارگی - در میان امامان و مردم مانع می‌تراشیدند. این امر را از فراوانی ناقلان حدیث، و تعداد نامه‌هایی که با آن‌ها رد و بدل می‌شده و اکنون در کتاب‌ها محفوظ است متوجه می‌شویم. همچنین دیدارهای حاصل در مسافرت‌ها و نماینده‌های فراوان امامان در شهرها، ارتباط امامان با طبقات گوناگون مردم و دانشمندان را، آشکار می‌سازد.ج) خلفایی که با امامان شیعه معاصر بودند، وجود

ائمه و پیشوایی روحی‌شان را منشاء خطری بزرگ برای سرنوشت خود و دستگاه خود می‌دانستند. از این روی، تمام تلاش خویش را به کار می‌گرفتند تا این پیشوایی را از میان بردارند و در این راه، از هرگونه فشار و در بند کشیدن روی نگردانیدند. حتی برای حفظ موجودیت خویش، نمایش‌هایی سنگدلانه و مداوم، از اسارت، تبعید، به زندان افکندن و به شهادت رساندن فروگذار نکرده و دل‌های مسلمانان و دوستداران امامان را دردمند نمودند.با توجه و دقت در نکات تاریخی گذشته، به این نتیجه می‌رسیم که «امامت» در سن کودکی پدیده‌ای واقعی بوده، نه پنداری از پندارها؛ زیرا امامی که در کودکی به پیشوایی روحی و فکری مردم مسلمان رسیده و مسلمانان در کشاکش موج‌های فرایندهِ ویرانگر، خود را به پیروی از او ملزم نموده‌اند، حتماً باید از دانش کافی و آگاهی لازم و استوار برخوردار بوده و از فقه و تفسیر و عقاید فراتر از عصر خویش، بهره‌ای آشکار و چشم‌گیر داشته باشد. چون در غیر این صورت، نمی‌تواند مردم را به پیروی از خویش وادار نماید. می‌بینیم که امامان در موقعیت‌هایی بودند که پیروانشان از خُرد و بزرگ می‌توانستند با ایشان بجوشند و به آسانی از بازتاب‌های وجودشان بهره‌گیرند. حال آیا امکان دارد که یک کودک، مردم را به امامتش دعوت کند و آن را هم‌چون درفشی – درفش افراشتهِ اسلام – جلوه‌گر سازد، این دعوت را مداوم در برابر چشم و گوش همگان ادامه دهد، مردم به صورت پنهان و آشکار به او بگروند و حتی در راه اعتقاد خویش، از بذل جان و مال هم نهراسند، اما از حقیقت آن امام آگاهی نداشته باشند و «امامت این کودک» مردم را به جست‌وجو در حقیقت امر وادار نکند؟!آیا ممکن است که سال‌ها بر این گونه ارتباط میان امام و مردم بگذرد، باز هم پرده از چهرهِ واقعی او برداشته نشود و چگونگی معارف و دانش‌های امام – چه کودک و چه بزرگ – آشکار نگردد؟بر فرض محال که مردم نتوانستند حقیقت و واقعیت امر را دریابند، خلافت و دستگاه حاکم که آن همه دشمنی علنی با امام داشت، چرا برنخاست تا پرده از چهرهِ واقعی امام بردارد؟!آیا برایش امکان نداشت؟ آیا اگر امام کودک هم مثل همهِ کودکان بود و از سطح تفکر و اندیشه‌ای بزرگ و والا برخوردار نبود، بهترین دستاویز برای عرضهِ بی‌لیاقتی‌های امام به دست خلفا نمی‌افتاد تا آن را به پیروان امامان عرضه کنند و آن ستارگان درخشان را بکوبند و مشخّص کنند که چنین کسانی نمی‌توانند پیشوای روحی و فکری مردم باشند؟ زیرا اگر اثبات بی‌لیاقتی یک انسان چهل یا پنجاه ساله – که سرمایه‌های فروانی از علم و دانش زمانش را داراست – به مردم عادی مشکل باشد، اثبات بی‌لیاقتی یک کودک، در رهبری مردم، دشوار نیست.برای نابود کردن امام و پایمال نمودن شخصیت و رهبری او اثبات بی‌لیاقتی، کارگرتر و قانع کننده‌تر از آن بود که خلفا به آن شیوه‌های غیرانسانی دست یازند. به خصوص با در نظر گرفتن این‌که شیعه برای امام، ویژگی‌های بزرگی در نظر گرفته است.اگر امام خردسال، از دانش و سطح تفکر عالی برخوردار نبود، خلفای معاصر خیلی خوب می‌توانستند جنجال به پا کنند، اما سکوت آن‌ها و سکوت تاریخ گواه است که امامت در سنین کودکی، پدیده‌ای حقیقی بوده نه ساختگی. خلفا نیز حقیقی بودن امامت این امامان را، در مقام عمل و فکر دریافته بودند و می‌دیدند که اگر هم خردسالی امام را مطرح کنند و با این وسیله رهبری دینی و فکری او را بکوبند باز هم پیروز نیستند.تاریخ نیز گاهی، از تصمیم‌گیری خلفا – بر استفاده از پدیدهِ خردسالی رهبران شیعه و بی‌نتیجه ماندن کارشان – سخن به میان می‌آوَرَد، اما حتی یک مورد هم نشان نمی‌دهد که این امر، تزلزلی در روحیهِ پیروان ایجاد کرده باشد یا مدرکی ارائه دهد که امامان – در سنّ کودکی – در برابر یک پرسش درمانده باشند یا با مشکلی روبرو شده، در پاسخ آن به تنگنا افتاده باشند و اطمینان مردم نسبت به موقعیت و امامت آنان سست شده باشد.در نتیجه امامت در سنین کودکی، پدیده‌ای واقعی در زندگانی اهل‌بیت بوده و یک فرضیه دور از واقعیت آن‌هم با مصادیق روشن نبوده است.برای پدیده رهبری در سنین پایین، نمونه‌های دیگری نیز می‌توان در میراث پیام‌آوران الهی یافت.برای نمونه: حضرت یحیی، که خداوند دربارهِ او چنین می‌فرماید:)ا ی یحیی، با نیرومندی و استواری این نامه (فرمان پیامبری) را بگیر – و ما، در کودکی به او حکمت و فرزانگی دادیم (. [۱۳] .اکنون که چگونگی امامت در سنین کودکی روشن شد، پیداست که جایی برای اعتراض به امامت امام مهدی (ع) در سنّ پنج سالگی، باقی نمی‌ماند. [۱۴] .

## آیا واقعاً امام مهدی وجود دارد؟

چهارمین پرسش این است که با روشن شدن امکانِ طول عمر و غیبت طولانی، چگونه به وجود امام مهدی (ع) و تولّد او می‌رسیم؟با فرض نقل چند روایت از پیامبر اسلام (ص) آن‌هم برای قانع‌شدن به یک امر غیر متعارف، آیا می‌توانیم به وجود امام دوازدهم ایمان پیدا کنیم؟چگونه ثابت می‌کنیم که امام مهدی (ع) یک وجود حقیقی و تاریخی دارد و افسانه‌ای نبوده که تعدادی از مردم به خاطر شرایط حادّ اجتماعی و روانی آن را در دل خود پرورانده‌اند؟پاسخ شهید صدر به این پرسش با توجه به ابعاد متعدد آن، در دو مرحله بوده و به دو گونه آن را مطرح کرده است.نکتهِ نخست در رد کسانی است که روایات نقل شده دربارهِ امام مهدی را بسیار محدود می‌بینند و ادعا می‌کنند که فقط چند روایت دربارهِ او وجود دارد و با چند روایت محدود، یک اعتقاد راسخ حاصل نمی‌شود.پاسخ این شبهه را با توجه دادن به منابع فراوان و تعداد روایات بسیار زیاد که فقط از زبان پیامبر – آن‌هم از راه اهل سنت – چهارصد روایت شمارش شده، مطرح می‌کند. چنان‌چه روایات وارده از راه شیعه و اهل بیت (ع) را اضافه کنیم به شش هزار روایت میرسد. با این فراوانی روایات – که در کم‌تر موضوعی از موضوعات بدیهی اسلام این قدر روایت رسیده است – ادعای بداهت می‌نماید که ادعای گزافی نیست و قطعی بودن این مسئله را روشن می‌کند.نکته دوم: پس از احراز اصل حتمی بودن وجود امام مهدی (ع) با استفاده از روایات فراوان، جا دارد که بپرسیم: این امام مهدی (ع) کیست؟انطباق این عنوان بر دوازدهمین امام معصوم از اهل بیت پیامبر (ص) از دو راه در نوشته شهید صدر طی شده است.در راه اول به چند مطلب توجه داده شده است:مطلب اول: روایاتی که مهدی (ع) را از اهل بیت معرفی می‌کند و او را از فرزندان فاطمه و فرزند حسین بلکه نهمین فرزند حسین بن علی (ع) می‌داند.مطلب دوم: روایاتی که تمام امامان را دوازده نفر می‌داند.بنابراین، حضرت مهدی (ع) خارج از دایرهِ دوازده امام نخواهد بود و او را در دوازدهمین فرد از آنان تعیین می‌کند.این روایات علیرغم تلاش امامان برای مطرح نشدن آن‌ها در میان عموم مردم – به خاطر حفظ جان امام مهدی (ع) از گزند دشمنان دیرینه و حاکمان عباسی – بالاخره منتشر شده و سینه به سینه و کتاب به کتاب، از نسلی به نسل دیگر منتقل گشته و در سطحی قابل قبول و قابل اعتماد منتشر شده است.مطلب سوّم: اضافه بر تعداد فراوان روایات فوق، قراین و شواهد بسیاری، صحت این روایات را اثبات می‌کند.برای نمونه عدد روایات (الائمه – اوالخلفاء اوالامراء – من بعدی اثنا عشر) به ۲۷۰ روایت می‌رسد که در مشهورترین کتاب‌های حدیث شیعه و اهل سنت هم‌چون بخاری و مسلم و ترمذی و ابو داود و مسند احمد و مستدرک حاکم آمده است.مطلب چهارم: آقای بخاری که معاصر امام جواد (ع) بوده این روایات را نقل کرده؛ یعنی متن این حدیث‌ها قبل از کامل شدن عدد دوازده امام در عالم خارج ثبت شده و احتمال جعل و حدیث‌سازی – که معمولاً ـ پس از وقوع یک حادثه برای آن حادثه حدیث جعل می‌شود، – صددرصد منتفی است و به هیچ‌وجه نمی‌تواند این روایت‌ها انعکاسی از عقیدهِ امامیه و پیروان اهل‌بیت باشد. بنابراین، این نکته نشان دهنده یک واقعیت فراتر از حوادث تاریخ بوده، در حقیقت یک خبر غیبی از پیامبر اسلام (ص) است که با اعتقاد امامیه کاملاً منطبق می‌شود.عقیدهِ امامیه مبنی بر امام مهدی (ع) یگانه مصداق قابل صدق برای این نوع حدیث‌های فراوان می‌باشد.نکتهِ سوّم: چنان‌چه کسی بخواهد مصداق دوازدهمین امام از اهل بیت پیامبر را بشناسد، شهید صدر با استفاده از واقعیت‌های تاریخی هفتاد سال حوادث پی‌درپی در دوران غیبت صغری، نایبان ویژه امام مهدی (ع) در این دوره و ارتباط چندین نسل با آنان و با امام مهدی (ع) توسط آنان و مکاتبات حسی و ملموسی که مردم و دانشمندان با امام زمان (ع) داشته‌اند، روشن می‌کند که امکان هرگونه فریب و ظاهرسازی و خیال‌بافی منتفی است.با پیام امام مهدی (ع) به آخرین سفیر خود (ابوالحسن علی بن محمد سمری)، پایان غیبت صغری و آغاز غیبت کبری مطرح می‌شود. در واقع یک مسیر کاملاً منطقی و مقبول برای تحقق غیبت کبری که در روایات پیامبر (ص) و اهل بیت اطهار مطرح شده بود، تحقق یافته و شیعیان از گزند پاشیدگی و نابودی به سمت پذیرش غیبت کبری و ایمان به امام غایب با حفظ شرایط

اساسی برای ادامه تلاش در خط اهل بیت (ع) حرکت می‌کنند و به راه اصلی و منطقی و اسلامی خود - به سمت تحقق آرمان‌ها و شرایط لازم برای ظهور امام غایب - ادامه می‌دهند.هرگونه اغفال و فریب و تناقض‌گویی و حیله‌گری در رفتار نایبان خاص امام مهدی (ع) در دوران هفتاد ساله - که چندین نسل را دربر گرفته بود، - مشاهده نشده و احتمال آن غیرمنطقی و غیرعقلانی بوده است. هم چنین احتمال افسانه بودن تولد یا زندگی و حضور امام مهدی در میان مردم به کلی منتفی می‌باشد.بدین ترتیب، پدیدهِ غیبت صغری یک تجربه عملی بسیار مهمّی بوده، که واقعیّت تولّد و وجود و امامت و غیبت امام زمان را به خوبی برای اهل منطق و تحقیق در همان برهه و در قرن‌های بعدی نیز به اثبات می‌رساند و اتمام نگرانی‌ها و وسوسه‌ها را می‌زداید.و این پاسخ از شهید صدر نیز پاسخی ابتکاری می‌باشد.

## چرا امام مهدی ظهور نمی‌کند؟

پرسش پنجم: با توجه به این‌که شرایط ظهور امام زمان به مرور زمان پیچیده‌تر می‌شود، چرا در دوران غیبت صغری یا کمی پس از آن، امام مهدی (ع) برای اصلاح جهانی ظهور نکرد؟ در حالی‌که شرایط اصلاح روز به روز پیچیده‌تر می‌شود.در پاسخ به پرسش پنجم به نکات ذیل باید توجه شود:۱. در پاسخ به این سؤال آن‌هم با یک دید جامعه شناسانه، شرایط لازم برای یک اصلاح گسترده اجتماعی و جهانی باید مورد بحث قرار گیرد.۲. میان بُعد غیبی و بُعد طبیعی و اجتماعی باید مرزبندی شود.۳. فراهم آمدن مجموعه شرایط اساسی که به اختیار و ارادهِ انسان‌ها بستگی دارد، باید مورد توجه قرار داده شود.۴. معجزه الهی در مواردی که به اختیار انسان‌ها ارتباط دارد و باید از مسیر طبیعی طی شود، جای‌گزین آن مسیر طبیعی نمی‌شود و سنّت لایتغیر الهی آن طور که طراحی شده است تحقق می‌یابد.۵. امدادهای غیبی که به انسان می‌رسد، جای امتحان و ابتلا و آزمایش الهی را - که یک اصل اساسی و مهم در تحوّلات اجتماعی است - نمی‌گیرد.۶. فراهم آمدن شرایط عمومی برای اصلاح جهان امری ضروری است که جایگزین ندارد و با وجود رهبری آماده برای اصلاح و وجود رسالتی کامل، تمام شرایط لازم برای موفقیت فراهم نمی‌شود، بلکه باید شرایط اجتماعی و سیاسی جهانی نیز زمینه را برای موفقیت و پیروزی حق بر باطل آماده سازد.یکی از این عوامل مهم، احساس انسان متمدن و امروزی به عجز و درماندگی کامل تمام مکتب‌ها و ابرقدرت‌ها و تمام مذاهب و ادیان نسبت به حل معضل عدالت اجتماعی و آسایش و امنیت برای انسان‌هاست؛ به گونه‌ای که از تمام راه حل‌ها چشم بپوشد و به یک سو و یک مصلح الهی که برای ایجاد اصلاح جهانی ذخیره شده است چشم بدوزد، عاشقانه و صادقانه آمادگی لازم را - از پیروی تا همراهی کامل و فداکاری و جانبازی - در خود ببیند و در لحظهِ ظهور در حال آماده باش کامل باشد.۷. با توجه به پیشرفت وسایل مادی، این پیشرفت می‌تواند در خدمت این نهضت عظیم قرار گیرد و در فراهم کردن شرایط عمومی و لازم سهیم باشد.۸. اما پیشرفت‌های نظامی ابرقدرت‌ها از نظر مادی، با وجود ضعف درونی و تهی شدن این ابرقدرت‌ها و قدرتمندان از درون و از دست دادن قدرت واقعی خود و گراییدن به پوچی، مهم‌ترین نقطه ضعف این تمدّن و این ابرقدرت‌هااست. بنابراین، نمی‌توانند یک مشکل جدّی در راه اصلاح فراگیر و جهان‌شمول برای حضرت مهدی (ع) باشند.

## نقش یک فرد و چگونگی تحول بسیار بزرگ

چگونه یک فرد می‌تواند عهده‌دار یک تحوّل بسیار بزرگ گردد؟در پاسخ این پرسش گفته می‌شود: پیامبر اسلام (ص) که سرآغاز یک تمدن جدید قرار گرفت، خود مولود تمدن گذشته نبوده، بنابراین، انسان‌ها همیشه مولود شرایط تاریخی و مادی نمی‌باشند.هنگامی‌که رابطه پیوسته و تنگاتنگ انسان را با عالَم غیب در نظر بگیریم این رابطهِ عمیق می‌تواند جهت دهنده انسان به سوی آینده‌ای جدید باشد و انسان‌ها را انعکاسی از واقعیت‌های پیرامون خود تلقی نکنیم.امامِ منتظران نیز تجربه‌ای همسان با تجربه

گران‌قدر پیامبر عظیم الشأن اسلام خواهد داشت و یک فتح بزرگ جهانی و تمدّنی جدید را آغاز خواهد کرد. بدین ترتیب، نقش عظیم یک شخصیت الهی در تغییر مسیر تاریخ آشکار خواهد شد.شیوهِ این تغییر جهانی چگونه خواهد بود؟پاسخ این پرسش به آینده موکول می گردد و پیش بینی علمی و دقیق برای آن ساده نخواهد بود.آری، بر اساس احادیث رسیده از پیامبر اسلام و اهل بیت (ع) نکاتی را می‌توانیم نشانه رویم که شیوه تغییر و دگرگونی را در جهان بشریت ترسیم نماید.و به همین جهت باید گفت: بسیاری از نکات ظریف و حسّاس دوران غیبت کبری و دوران ظهور که متکفّل بیان کیفیت ظهور نیز می‌باش و هم‌چنین دوران پس از ظهور را در اصل کتاب یعنی «موسوعه الامام المهدی» می‌یابیم و متن مقدمه یعنی «بحث حول المهدی» را باید مطالعه‌ای دقیق نمود تا از نکات ریز و بسیار عالی آن بهره‌مند شویم.

## پاورقی

[۱] چاپ اول موسوعهِ امام مهدی شهید صدر دوم در سال ۱۳۹۲ هجری قمری بوده است؛ در حالی‌که تاریخ چاپ و نوشتهِ صدر بزرگ که با نام (بحث حول المهدی) منتشر شده است، سال ۱۳۹۷ هجری قمری می‌باشد؛ یعنی این مقدمه پس از صدور کتاب یاذوالمقدمه به رشته تحریر درآمده است. متأسفانه دومین چاپ موسوعهِ امام مهدی نیز که در سال ۱۴۰۰ هجری قمری بوده این مقدمه به کتاب اضافه نشده است. بهترین چاپ برای (بحث حول المهدی) که همراه با تحقیق و توضیحات ارزنده است از برادر فاضل و ارجمند جناب دکتر عبدالجبار شراره که توسط مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه در سال ۱۴۱۷ چاپ و منتشر شده است.

[۲] با کمال تأسف تقریظ و ستایش شهید صدر اوّل از موسوعه الامام المهدی شهید صدر دوّم که در نسخهِ باارزش دارالتعارف آمده است در برخی نسخه‌ها حذف شده است.

[۳] یک ترجمه فارسی تحت عنوان امام مهدی حماسه‌ای از نور توسط کتابخانه بزرگ اسلامی انجام شده است و ترجمه به زبان فرانسوی توسط مترجم توانا دکتر عباس بستانی انجام گرفته و به چاپ رسیده است.

[۴] سورهِ قصص، آیه ۵.

[۵] بحث حول المهدی، صص ۵۳ – ۵۴.

[۶] همان، ۵۴.

[۷] همان: صص۵۴ – ۵۵.

[۸] همان، صص ۵۵ – ۵۶.

[۹] انقلاب اسلامی ایران و دیگر انقلاب‌های گذشته در جهان تشیع دلایلی تاریخی بر صحت و سلامت این فهم و این نگاه به مسئله مهدویت است.

[۱۰] بحث حول المهدی، صص ۸۴ – ۸۸.

[۱۱] همان، صص ۸۸ – ۸۹.

[۱۲] امام محمد جواد، امام علی نقی، امام مهدی (ع).

[۱۳] سورهِ مریم، آیه ۱۲.

[۱۴] امام مهدی حماسه‌ای از نور، صص ۵۶ – ۶۱، (با تصرّف).

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكَمْ وَ أَنْفُسِكَمْ فى سَبيلِ اللَّهِ ذلِكَمْ خَيْرٌ لَكَمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آيه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف ) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سـایت: www.ghaemiyeh.com ایمیـل: Info@ghaemiyeh.com فروشـگاه اینترنـتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگـانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام –: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹